



دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی را در کانون توجه قرار داده است! اما جلب توجه و تمرکز بر جایگاه و اصولا نقش این نهاد که یکی از مهم ترین، فعال ترین و با نفوذ ترین نهادهای رژیم ولایت فقیه است، فقط به ماجرای دانشگاه آزاد اسلامی ارتباط نداشت. از ابتدای سال جاری خورشیدی و به موازات تشدید

ادامه در صفحه ۲

شورای عالی انقلاب فرهنگی: تعرض به آزادی اندیشه، تباهی فرهنگ ملی

طی هفته های اخیر و در جریان رخ دادهای سیاسی میهن ما، یار دیگر نام شورای عالی انقلاب فرهنگی بر سر زبان ها افتاد. کشمکش جناح های طیف ارتجاع حاکم برای کنترل و تصاحب دانشگاه آزاد اسلامی ومصوبه اولیه مجلس در رد مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون دانشگاه آزاد و متعاقب آن تجمع اغتشاش گرانه اوباش هوادار دولت احمدی نژاد در مخالفت با این مصوبه در برابر مجلس که در کمتر از ۴۸ ساعت منجر بدان گردید تا فوریت طرحی به تصویب برسد که به مثابه پس گرفتن رای پیشین مجلس بود، بار



شماره ۸۴۷، ۲۸ تیر ۱۳۸۹
دوره هشتم، سال بیست و پنجم

به نام دهقانان به کام دلال ها کاهش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

در اوایل خردادماه سال جاری خورشیدی وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به انتقادات روز افزون به عملکرد این وزارتخانه، مدعی گردید در سال کنونی (۱۳۸۹) از میزان واردات کاسته شده و محصولات کشاورزی داخلی وارد بازار مصرف خواهند شد. او به خبرنگار خبرگزاری فارس ۹ خرداد ماه اعلام کرد: "... با توجه به اقدامات دولت در زمینه کارهای فنی و تولیدات کشاورزی ... تولید گندم مورد نیاز کشور را امسال (در داخل) تامین می

ادامه در صفحه ۳

۱۸ تیرماه، سالگرد قیام قهرمانانه جنبش دانشجویی گرامی باد!

۱۸ تیرماه امسال مصادف با یازدهمین سالگرد یورش خونین مزدوران ارتجاع به فرمان ولی فقیه به دانشگاه های کشور و سرکوب شدید و خونین حرکت های آزادی خواهانه دانشجویان بر ضد انحصار طلبی حاکمان و استبداد بود. حرکتی که با اعتراض به بسته شدن روزنامه "سلام" آغاز شد به سرکوب همه جانبه و تهاجم وسیع نیروهای انتظامی رژیم به دانشگاه های کشور انجامید و شماری کشته و زخمی بر جای گذاشت. با وجود سرکوب خونین ۱۸ تیرماه و

ادامه پیکار جنبش ضد استبدادی و تلاش های عقیم رژیم ولایت فقیه برای غلبه بر بحران سیاسی!

اصولگرایی در کشور قابل است و برنامه ریزی های مدونی برای مفصل بندی گفتمانی و نهانمند تغییر و تحولات در پارچوب رقابت های سیاسی دارد. به گزارش سایت فردا، ۱۵ تیر، حمیدرضا ترقی، از اعضای حزب موتلفه، در این باره نیز گفت: "دیدار جامعین به عنوان مهم ترین قدم در راه کاهش اختلافات اصولگرایان و تقویت وحدت بین آنها خواهد بود." صحبت ها و اظهار نظرات مشابه به تناوب در طول این مدت از طرف شخصیت های سیاسی طرفدار سرکوب ایراد شده که کمابیش با مضمون های مشابهی که نوید همگرایی، وحدت و رفع اختلافات را می دهد، ابراز گردیده است. حال باید بررسی کرد که پس از نشست اخیر قم و صحبت های انجام شده تاکنونی، آیا ما در آینده شاهد نوعی سازش در بالا خواهیم بود یا اینکه نشست اخیر قم آغازگر شکاف های بیشتر در بین سرکوب گران خواهد بود؟ در بررسی این موضوع، استناد به گفته های خود شخصیت های موسوم به اصولگرا می تواند به روشن کردن این قضیه کمک کند. با نگاهی به این گفته ها و اظهار نظرات به خوبی می توان دریافت که حملات به احمدی نژاد و همفکرانش، به خصوص در طول یکی دو هفته گذشته و از هنگام جارو و چنگال بر سر قضیه دانشگاه آزاد، شدت بیشتری گرفته است. به گزارش خبر آنلاین، ۲۳ تیر، علی مطهری با پیش بینی اینکه رابطه دولت و مجلس به سمت وخامت می رود، گفت: "البته این وخامت است که من آن را مفید می دانم، چون

ادامه در صفحه ۶

در طول هفته های اخیر تحولات سیاسی میهن نشانگر تلاش هایی است که سران رژیم برای جلوگیری از عمیق تر شدن اختلاف در جبهه اصولگرایان حاکم، نزدیک کردن جناح های مختلف اصولگرا به کار گرفته اند. هسته اصلی راهکرد جدید معماران این تلاش ها بر این باور قرار دارد که، دشمنان "نظام نمونه اسلامی" در صدد هستند تا با استفاده از اختلافات حکومتیان به مقاصد خود برسند، و برای جلوگیری از این روند بایستی گام های عملی و مهم برداشته شود. از جمله این اقدامات، دیدار گروهی از روحانیون شناخته شده حکومتی همچون یزدی و مهدوی کنی در قم بود. روزنامه رسالت، ۱۵ تیر، در این باره از قول عسگر اولادی نوشت: "دیدار مهدوی کنی و جمعی از اعضای روحانیت مبارز با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و تشکیل کمیته مشترک جهت تبادل نظر پیرامون مهم ترین مسایل سیاسی کشور یک گام به جلو برای همگرایی و وحدت اصولگرایان است." همین روزنامه در همان تاریخ، در مقاله ای با عنوان: "جامعین و نگاه به آینده اصولگرایی"، در باره این نشست و دستاوردهای آن نوشت: "شهر قم طی روزهای اخیر شاهد نشست های مهم اما بی جارو و چنگال بود که حکایت از آینده نگری و دوراندیشی فحول روحانیت در صیانت از دستاوردهای اصولگرایی داشت. دیدار اخیر جامعه روحانیت و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم روند رو به رشدی برای تحکیم در بین اصولگرایی و تعمیق وحدت ملی بود. حضور همزمان آیت الله مهدوی کنی و آیت الله یزدی در یک جلسه نشان داد که جامعین حساب ویژه ای برای آینده

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه شورای عالی انقلاب فرهنگی ...

خاص مدارس دینی مشارکت فعال داشته است. همه اینها نشان می دهد که شورای مذکور با صلاحدید ولی فقیه و پشتیبانی همه جانبه آن، به یک نهاد قانون گذار موازی فرا رویده و در اوضاع کنونی کاملا در خدمت اهداف کودتاچیان قرار گرفته است! منابع مالی سرشار این شورا حیطه فعالیت های آن را هر دم گسترده تر می سازد، که یکی از آخرین نمونه های آن حمایت وسیع از تشکیل اجلاسیه ناشران جهان اسلام بود. در این اجلاس که هزینه گزافی صرف آن گردید، فقط ناشران ناشناخته و دست چندم چند کشور عربی و ترکیه شرکت کرده بودند حتی ناشران سرشناس کشورهای همسایه ایران از حضور در آن امتناع کردند. هنگامی که این اجلاس در تهران جریان داشت و وزیر ارشاد دولت کودتا خاطر نشان می کرد که تجربیات جمهوری اسلامی ایران را در اختیار ناشران و روزنامه نگاران جهان قرار خواهیم داد، هیات نظارت بر مطبوعات مجوز یک نشریه را لغو و به ۳ نشریه دیگر تذکر داد. و این خود گویای نوع تجربیات مرتجعان حاکم است! اما جلسه دیگری نیز با مشارکت فعال شورای عالی انقلاب فرهنگی به موازات اجلاسیه به اصطلاح ناشران "مسلمان" برگزار شد که توجه به آن برای شناخت بهتر ماهیت شورای مذکور بی فایده نیست.

این نشست که نام "همایش بزرگداشت هشت ماه نبرد سایبری" بر خود دارد، با حضور اعضای شورای نگهبان، سخنگوی دولت، اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و جز این ها، برپا گردید و طی آن از حسین شریعتمداری و فرج الله سلحشور به عنوان سمبل های هنر متعهد و چهره های موثر در جنگ نرم تحلیل به عمل آمد! چنین است مضمون و چارچوب فرهنگی مورد نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی که بر اساس معیار های آن، نویسنده و هنرمند چنین فضایی نیز بهتر از شریعتمداری و سلحشور نخواهد بود، اولی شکنجه گر و دومی سارق نوشته های دیگران است. شورای عالی انقلاب فرهنگی با نقش و عملکرد بغایت منفی و مخرب از زمره نهادهایی به شمار می آید که فعالیت آنها در جهت اعمال خفیان و سانسور، آسیب های جدی و گاه جبران ناپذیری بر فرهنگ ملی و شکوفایی علمی جامعه وارد آورده است. این نهاد فرا قانونی بر نفوذ از عوامل مهم تنزل سطح علمی و سقوط بنیان های فرهنگی- اخلاقی جامعه بوده وهست.

ادامه ۱۸ تیرماه سالگرد ...

فریاد های "منکوب کنید" ولی فقیه رژیم، جنبش دانشجویی کشور به مبارزه تحسین برانگیز خود در راه آزادی و تحقق حقوق دموکراتیک مردم ما ادامه داد و همچنان ادامه می دهد. نقش برجسته جنبش دانشجویی کشور در جنبش سبز و در میدان های اعتراض های خیابانی بر ضد کودتای انتخاباتی احمودی نژاد و سپاه گواه نقش مهم و موثر جنبش دانشجویی کشور در مبارزات ضد استبدادی مردم میهن ماست.

این پایداری در مبارزه، با وجود همه تلاش های سرکوب گرانه دستگاه های انتظامی و بسیجیان و مزدوران رژیم که دانشگاه های کشور را به اشغال خود در آورده اند، نگرانی و خشم سران حکومتی را برانگیخته و ما شاهد تشدید فشارها و دستگیری های گسترده فعالان جنبش دانشجویی بوده و هستیم. ادامه مبارزات دانشجویان میهن با وجود سرکوب های خشن نیروهای امنیتی نشانگر این حقیقت است که جنبش دانشجویی با اتکاء به سنن تاریخی و درخشان خود، با وجود همه دشواری ها و تشدید سنگین جو خفقان و سرکوب به مبارزات خود ادامه می دهد.

تجربه ۱۸ تیرماه و دیگر مبارزات تاریخی جنبش دانشجویی کشور گواه این واقعیت است که جنبش دانشجویی تنها با حفظ انسجام صفوف خود و حمایت موثر دیگر گردان های اجتماعی، خصوصا جنبش کارگری و زنان و همچنین حمایت موثر و گسترده نیروهای آزادی خواه کشور می تواند بر توطئه های ارتجاع غلبه کند. نباید اجازه داد ارتجاع و گزمنگان تاریک اندیشی و استبداد به سیاست های سرکوبگرانه و مخرب کنونی بر ضد دانشگاه های کشور و جنبش دانشجویی ادامه دهند. با مبارزه و تلاش مشترک و صفوف متحد می توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی وادار کرد.

دست در دست هم برای آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام دانشجویان اسیر و همه زندانیان سیاسی ایران و برای تشدید و گسترش مبارزه متحد توده ها بر ضد دیکتاتوری حاکم!

اعمال فشارها به ضد مطبوعات، رسانه های اینترنتی و خبرگزاری های مختلف، مصوبه ای از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان "اهداف، سیاست ها و ضوابط نشر کتاب" انتشار یافت که نشانگر برنامه ای حساب شده از جانب کودتاچیان با هدف مقابله با جنبش مردمی و به ویژه مساله حساس اطلاع رسانی و روزنامه نگاری و نشر کتاب است. در این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سانسور و مقابله با آزادی بیان و اندیشه شکل کاملا علنی و رسمی می یابد و زیر عنوانی چون "سوء استفاده از آزادی"، "اشاعه لا ابالیگری فکری" و "ترویج مادی گرایی فلسفی"، انتشار کتاب، مقاله، پژوهش و مطلبی به شدت محدود شده و حد و مرزهای باور نکردنی یی در نشر کتاب اعمال می گردد. در ماده چهارم برنامه "اهداف، سیاست ها و ضوابط نشر کتاب" که نام حدود قانونی را بر خود دارد، در دفاع از سانسور کتاب و نقض آزادی اندیشه اعلام گردیده: "نشر کتاب همانگونه که ممکن است مظهر و نمودی از آزادی های اجتماعی و انسانی تلقی شود، چه بسا مورد سوء استفاده و اشاعه لا ابالیگری فکری و اخلاخ در حقوق عمومی قرار گیرد ... سپس اعمال سانسور در سه حوزه اصلی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که در طرح مذکور تحت عنوان حوزه "دین و اخلاق"، "سیاست و اجتماع" و "حقوق فرهنگ عمومی" از آنها نام برده اجرا می گردد. به طور مثال، در بخش مربوط به سیاست و اجتماع، سانسور شامل مواردی چون: "توهین، تخریب یا افترا به امام خمینی و رهبری [یعنی خامنه ای]"، "تبلیغ علیه قانون اساسی و انقلاب اسلامی"، "ترویج گروه های محارب و عناصر ضد انقلاب و تروریست و نظام های لائیک و سلطنتی ... و تطهیر چهره های منفی آنان" و سپس در عباراتی کلی تر، تاکید می شود که اجازه چاپ کتاب و مطالبی که در آنها "تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکار آمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی" به کلی ممنوع بوده و شامل حذف و سانسور می گردد! سراسر این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی گواه ماهیت واپس مانده این نهاد زاید و تباهی آور و تفکر قرون وسطایی و آزادی ستیز تدوین کنندگان مصوبه فوق است.

بر اساس همین ماهیت ارتجاعی است که وضعیت فرهنگی و علمی کشور به شدت تنزل یافته و میزان، حجم و کیفیت نشر کتاب سیر فقهقاری پیموده است. بی جهت بود که کانون نویسندگان ایران، همزمان با برپایی نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت ماه امسال، با انتشار بیانیه ای ضمن بازگو کردن حقایق در عرصه فرهنگ و اعتراض به اعمال سانسور گسترده از جمله خاطر نشان ساخته بود: "این که واژه یا واژه هایی در محاق توقیف جان می بازند حدیثی چندان تازه نیست. این نیز که حاصل اندیشه ی نویسندگان، شاعران، مترجمان، محققان، هنرمندان و دیگر دست اندکاران حوزه ی رسانه ها در فضای خوف آلود سانسور مجال ظهور پیدا نمی کند حدیثی مکرر است. این که زحمات اولد فرهنگ و اندیشه، ناشران مستقل و تمامی گردانندگان حوزه چاپ و نشر در آخرین مراحل ورود به بازار کتاب با خمیر شدن بر باد می رود ... این که به کامپیوترهای اداره متولی کتاب فرمان داده شود کلمات مجرم را شناسایی کنند، دیری است که به عادت سانسور چنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبدیل شده است ... در آستانه نمایشگاه کتاب در حرکتی بی سابقه پروانه نشری چند از ناشران را لغو و برخی از آن ها را به مراجع امنیتی احضار کردند. ... سپس در پایان این بیانیه به درستی اعلام می شود: "کانون نویسندگان ... فشار روز افزون بر ناشران مستقل را به شدت مستحکم می کند و نسبت به روند رو به افزایش سانسور، اختناق و سرکوب فرهنگی هشدار می دهد." پرواضح است روندی را که کانون نویسندگان به حق مورد اشاره قرار داده، نتیجه و حاصل سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات به شدت ارتجاعی و نامعقول آن است! شورای عالی انقلاب فرهنگی فرزند خلف انقلاب فرهنگی واپس گرایان به شمار می آید که در سال ۱۳۵۹ به دستور شخص خمینی تحت عنوان ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل گردیده بود. اسلامی کردن دانشگاه ها با تغییر برنامه های آموزشی و تصفیه هزاران جوان با استعداد و اساتید پرباقه و دگراندیش وظیفه اولیه این نهاد بود که سپس با تغییر و تحول در آن به صورت شورای عالی انقلاب فرهنگی درآمده و وظیفه "اسلامی کردن" فرهنگ جامعه به آن محول شد.

در حال حاضر این نهاد از جمله ارگان های بسیار با نفوذی است که تحت هدایت ولی فقیه فعالیت می کند. شورایی که قرار بود به عنوان یک نهاد مشورتی عمل کند، اینک به یک شورای فرا قانونی پر قدرت تبدیل شده و تعیین شاخص های کلان فرهنگی، تأیید انتصاب روسای دانشگاه ها، تصویب ضوابط نشر کتاب و ضوابط استفاده از اینترنت، تعیین سقف سرعت برای کاربران خانگی اینترنت، از جمله وظایف و فعالیت های آن هستند. در سالیان اخیر این شورا در تدوین برنامه پنجم توسعه، تعیین مقررات حاکم بر کمیته های انضباطی دانشگاه ها، همکاری با حوزه علمیه برای وضع قوانین

ادامه به نام دهقانان به کام ...



می شد این وجوه را در قالب یک ردیف مستقل در بودجه سالانه به اعتبارات وزارت جهاد کشاورزی اضافه نماید تا جهت برقی کردن چاه های کشاورزی به مصرف برسد. بنابر این با سیاست های دولت نامشروع کودتا وضعیت بخش کشاورزی و معیشت دهقانان با چالش های هولناکی روبروست.

عملکرد فاجعه آفرین دولت احمد نژاد در این بخش تا به آن پایه است که حتی اطلاعات آماری مشخص در زمینه تولید کشاورزی پنهان نگاه داشته می شود. ایسا در اواخر اردیبهشت ماه در گزارشی یادآور گردیده بود: "در مورد واردات و صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی آمار صحیح وجود ندارد، انواع محصولات خارجی ارزان قیمت (بدون کیفیت و گاه خطرناک برای سلامت انسان) بازار مصرف ما را تسخیر کرده است. وزارتخانه جهاد کشاورزی حاضر نیست ریز سرفصل ها را به گمرک اعلام کند. به دلایل مختلف هم اکنون هیچ آماری در هیچ یک از بخش ها اعم از صادرات و واردات محصولات کشاورزی وجود ندارد ..."

خبرگزاری ایلنا ۲۵ اردیبهشت ماه گزارش تکان دهنده ای را منتشر ساخت که قسمت هایی از آن چنین است: "آمارهای موجود نشان می دهد، مجموع سطح زیر کشت در ایران از حدود ۱۱ میلیون و ۶۲۳ هزار هکتار از سال ۸۶ با ۲۸ درصد کاهش به ۸ میلیون و ۴۰۸ هزار هکتار در سال ۱۳۸۷ رسید. در عین حال میزان تولید ۳۹ درصد کاهش یافت و از ۴۳ میلیون تن محصولات زراعی به ۲۶ میلیون و ۲۶۲ هزار تن نزول کرد. ... در سال ۸۷ سهم گندم در کل تولید کشاورزی به ۳۰ درصد کاهش پیدا کرد ... تولید برگ چای در سال ۸۷ معادل ۸۴ درصد کاهش یافته است که رکورد کاهش در بخش کشاورزی است. پس از چای، چغندر قند قرار دارد که از نظر هم سطح زیر کشت و هم تولید ۶۱ درصد کاهش یافته و سپس به ترتیب پسته، جو، حبوبات و نیشکر با کاهشی به ترتیب ۵۱ درصد، ۵۰ درصد، ۴۵ درصد و ۴۲ درصد در رتبه های بعدی نزول قرار دارند ... سه محصول برنج، چغندر قند و نیشکر و چای از جمله محصولاتی هستند که سیاست های دولت طی سال های گذشته روی آنها اثر (منفی) گذارده ... سیاست های تعرفه ای و واردات برنج عملاً باعث شده تا تقاضای برنج داخلی کاهش یابد و در نتیجه میزان سطح زیر کشت و هم تولید برنج به ترتیب ۱۴ و ۱۸ درصد کاهش یافته است ..."

با چنین کارنامه سیاه و فاجعه باری، چگونه وزیر جهاد کشاورزی دولت کودتا از کاهش واردات و افزایش تولید محصولات داخلی سخن می گوید؟!

چنین اوضاعی دلال ها، واسطه ها و سلف خرها را در موقعیت ممتازی قرار می دهد و آنها با اتکا به حمایت دولتی چون زالو به مکیدن خون دهقانان زحمتکش مشغول هستند. با سیاست دولت نامشروع کودتا و بویژه با اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها بیشترین سود حاصل از تولید محصولات کشاورزی به جیب دلال ها و واسطه ها می رود و درآمدی که باید دهقان زحمتکش با آن چرخ زندگی خود را به گردش درآورد، نصیب واسطه ها می گردد. کاهش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و افت تولید و کاهش سطح زیر کشت به معنای خانه خرابی و فقر در روستاهای کشور است. سیاست های دولت کودتا و اصولاً سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه در بخش کشاورزی بسود بزرگ زمین داران، دلال ها و تجار عمده بوده و به شدت به زیان دهقانان زحمتکش و آینده بخش کشاورزی ایران است!

کنیم و به هیچ وجه نیاز به واردات گندم نخواهیم داشت، ورود برنج خارجی نیز کاهش خواهد یافت...".

همزمان با چنین مدعیانی، رئیس اتحادیه تولید کنندگان و صادرکنندگان طی گفتگویی با خبرگزاری ایلنا ۸ خرداد ماه با انتقاد از سیاست های دولت احمدی نژاد در بخش کشاورزی و فقر رو به گسترش روستاییان با تأکید خاطر نشان ساخت: "سیاری از محصولات کشاورزی ایران که قبلاً دارای مزیت فوق العاده بود و بازار صادراتی پر رونقی داشت، اکنون دیگر فاقد پتانسیل قدیمی است، کاهش رشد سرمایه گذاری، که در حال حاضر نزدیک به صفر است از مهمترین عوامل فضای ایجاد شده برای کشاورزی ایران است ..."

همچنین خبرگزاری ایلنا در اواسط اردیبهشت ماه امسال با اشاره به وضعیت وخیم معیشتی میلیون ها دهقان زحمتکش ایرانی در گزارشی تحت عنوان، "ادامه روند سیاست گذاری های نادرست در حوزه کشاورزی، کشاورزان در خیمه آفت" از جمله متذکر گردید: "شرایط توری و بعضاً رکود توری، افزایش هزینه ها، کاهش درآمد طی ساله های ۸۴ تا ۸۸ موجب کاهش رقابت پذیری محصولات کشاورزی تولید داخل در مقایسه با محصولات وارداتی را به دنبال داشته است ... امروز کشاورزان سرزمین های جلگه ای خوزستان، دامنه های زاگرس جوان، البرز پیر و زمین های حاصلخیز گیلان، مازندران و گلستان بار دیگر گوش های خود را تیز کرده و در انتظار اخباری نه چندان خوشایند هستند، اخباری که در طی چند سال اخیر هراز چند گاهی مثل آوار بر (سر) کشاورزان خراب می شود. هنوز کشاورزان ایرانی قامت افتاده خود را ناشی از اصابت ترکش های مخرب اقتصادی راست نکرده بودند، که اعلام اجرای طرح هدفمندسازی یارانه و عدم شفاف بودن آن برای بخش کشاورزی بار دیگر نمکی شد که زخم های قدیمی را سوزاند ..."

در ادامه این گزارش تأکید می شود: "... سیاست های دولت نهم همچنان در دولت دهم نیز پیگیری می شود و برنامه ریزان اقتصادی به تعهدات خود در قبال بخش کشاورزی ... ارتقاء این بخش و مقابله با اثرات هدفمند سازی یارانه ها بر بخش کشاورزی اقدامی صورت نداده اند ... گسترش سیل واردات محصولات استراتژیک ... طی سال های ۸۴ تا ۸۸ و تداوم آن طی چند ماه گذشته موجب کاهش تولید، افزایش تورم و به تبع آن پایین آمدن درآمدهای کشاورزان شده است ... هیچ انگیزه ای برای تولید کنندگان (روستاییان) و سرمایه گذاران برای توسعه سرمایه گذاری در این بخش باقی نمانده ... این روزها کشاورزان در خیمه آفت روزگار سپری می کنند و از سیاست های اقتصادی به ستوه آمده اند ..."

این وضعیت فاجعه بار و یا به گفته خبرگزاری ایلنا برای دهقانان ستوه آور در دو ماه گذشته با طرح افزایش بهره وری بخش کشاورزی که در مجلس بحث در باره آن جریان دارد، به مراتب بدتر از قبل خواهد شد. زیرا براساس قانون هدفمند سازی یارانه ها و مقررات زدایی برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، مواد و تبصره هایی که در جهت تقویت بنیه بخش کشاورزی و حفظ و ارتقاء قدرت رقابت پذیری محصولات داخلی با خارجی بودند، یکی پس از دیگری در مجلس حذف شدند. ایلنا ۱۵ اردیبهشت ماه امسال گزارش داده بود: "طرح افزایش بهره وری کشاورزی که از چندی پیش در مجلس مورد بررسی قرار گرفته است، امروز نیز در دست بررسی نمایندگان بود که سه ماده آن حذف شد، براساس مواد حذف وزارت جهاد کشاورزی موظف می شد حداکثر یک سال پس از تصویب این قانون، راهبردهای تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی را تعیین و زمینه ارتقاء تولید کشاورزی را جهت اجرا به مراکز ذیربط ابلاغ نماید." به فاصله چهار روز، ماده ۲۹ این طرح نیز در جلسه ۱۹ اردیبهشت ماه حذف گردید. ایلنا در این باره نوشت: "ماده ۲۹ طرح افزایش بهره وری بخش کشاورزی حذف شد، ماده ۲۹ مقرر می کرد، همه ساله مبالغی که از صرفه جویی سوخت ناشی از برقی کردن چاه های آب کشاورزی به دست می آید، به حسابی که در خزانه داری کل افتتاح می گردد، واریز نماید و دولت نیز موظف



تشدید جو خفقان در دانشگاه ها و ادامه سرکوب جنبش دانشجویی است. احضارهای گسترده درمقطع امتحانات و تبعیض جنسیتی فوق العاده شدید در مرکز آموزش عالی، گواه برنامه ریزی کودتاچیان برای آغاز سال تحصیلی جدید طی ماه های آینده است.

جنبش دانشجویی با تقویت صفوف خود و نزدیکی و تشریک مساعی میان طیف ها و گرایشات سیاسی مختلف درون این جنبش، باید از هم اکنون کسب آمادگی کرده و خود را برای مواجهه با برنامه کودتاچیان از هر لحاظ آماده سازد!

بیکاری تهدیدی برای زندگی جوانان

نابسامانی های شدید اقتصادی و ژرفش شکاف طبقاتی موجب افزایش جمعیت جوانان بیکار شده است. در آخرین آمار منتشره توسط مرکز آمار جمهوری اسلامی، نزدیک به ۲۵ درصد کل جوانان گروه سنی ۱۵ تا ۲۴

سال بیکار هستند. همچنین حدود ۳۰ درصد این گروه سنی نیز دچار بیکاری پنهان، یا به عبارتی، مشاغل کاذب از قبیل دست فروشی و ... بوده و از امنیت شغلی برخوردار نیستند.

چندی پیش یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس با اعتراف به رشد بیکاری در میان جوانان و پیامدهای آن گفته بود: "۷۰ درصد جمعیت کشورمان جوان و جویای کار هستند. هنوز برای رفع مشکل اشتغال جوانان فکری اساسی نشده است و دولت و مجلس باید با اقداماتی هماهنگ امنیت شغلی برای افراد جوان کشور را فراهم کنند."

این نماینده مجلس سپس با تاکید بر راهکار موجود برای تامین اشتغال جوانان به موردی اشاره کرد که نشانگر میزان درک گردانندگان جمهوری اسلامی از موضوع اشتغال و نیازهای جوانان است.

خبرگزاری فارس، ۱۵ خرداد ماه، در این باره به نقل از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس گزارش داد: "باید اهتمام جدی معطوف به ایجاد امنیت در سرمایه گذاری در دستور کار قرار بگیرد، باید بیش از پیش فضای مطمئن و با شتاب برای ورود سرمایه گذاران و شرکت های بزرگ خارجی ایجاد شود ... مصوبه اخیر مبنی بر ایجاد بانک هایی با مالکیت خارجی در داخل کشور را باید به فال نیک گرفت، این امر موجب ایجاد رونق اقتصادی در کشور می شود ... باید تفکر خلاق و روحیات کارآفرین روزه روز در بین جوانان تقویت، توسعه و نهادینه شود تا شاهد حل تدریجی مشکل اشتغال باشیم و از این طریق به تامین شغل و مسکن جوانان بپردازیم ..."

ارایه چنین برنامه های متشعشی فقط ویژه گردانندگان رژیم ولایت فقیه است. مشکل جوانان کشور بدون توقف سمت گیری اقتصادی- اجتماعی کنونی و تقویت تولید ملی و مبارزه با اقتصاد دلالی متکی بر واردات به علاوه تامین آزادی های دمکراتیک فردی و اجتماعی و عدم مداخله در زندگی جوانان تامین نخواهد شد. جوانان هم از سیاست های فرهنگی و هم از برنامه های اقتصادی- اجتماعی رژیم بیشترین آسیب ها را دیده و می بینند. ادعای تامین اشتغال مناسب برای جوانان در چارچوب سیاست های کنونی فقط و فقط تبلیغاتی گمراه کننده و عوام فریبانه می تواند نام داشته باشد.

تامین حقوق و آینده میلیون ها جوان ایرانی در گرو طرد استبداد و تقویت و رشد صنعت و تولید و یک برنامه ریزی مردمی در راستای شکوفایی اقتصادی ملی است. سیاست های دولت کودتا از جمله قانون هدفمند سازی پارانها و برنامه های فرهنگی قرون وسطایی آن در مغایرت با این مهم قرار دارند!

حقوق مسلم اقلیت های مذهبی

قشری گری، تعصب کور و تبعیض مذهبی، که با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد دامنه و وسعت نگران کننده ای گرفته است، بار دیگر در کشور موجب فجایع ضد انسانی و زشت گردید.

خبرگزاری حقوق بشر ایران- هرات- ۵ تیرماه، اعلام داشت، منازل پنجاه تن از هم میهنان بهایی ساکن روستای ایول استان مازندران توسط اوباش مسلح و باندهای تاریک اندیش متعصب که از سوی ارگان های نظامی- امنیتی پشتیبانی می شوند، تخریب شد.

پیش از این اقدام ضد انسانی، گروهی از افراد ساکن این منازل به بخشداری کیاسر از توابع ساری مرکز استان مازندران مراجعه و خواستار حمایت قانونی از خانه و کاشانه خود شده بودند، ولی دادگاه انقلاب اسلامی و عمومی و نیروی انتظامی این ناحیه از پاسخ و رسیدگی به این دادخواست شانه خالی کرده بودند.



کودتاچیان، و فعالیت تشکل های دانشجویی

موج اربعاب، تهدید و سرکوب هدفمند همچنان در دانشگاه ها و مراکز آموزشی سراسر کشور جریان دارد.

ده ها دانشجوی مبارز و فعالان شناخته شده جنبش دانشجویی در دانشگاه های فردوسی مشهد، سهند تبریز و رازی کرمانشاه پیش از پایان امتحانات مورد تهدید قرار گرفته، به کمیته های انضباطی فراخوانده شدند. به گزارش هراتنا، ۱۲ تیرماه، بیش از ۶۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد قم طی کمتر از ۲ ماه به کمیته انضباطی این دانشگاه احضار گردیدند. خبرگزاری هراتنا در این باره گزارش داد: "... پس از انتقال دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد قم به ساختمان جدید این واحد واقع در پردیسان، عموماً و از زمان اجرای طرح حجاب و عفاف خصوصاً فشارها و تبعیض جنسیتی فزاینده ای بر دانشجویان این دانشگاه وارد شده تا جایی که بیش از هزار دانشجوی دختر از سوی حراست تذکر گرفته اند ... ماموران حراست دانشگاه با جدا سازی درب ورودی دانشجویان دختر و پسر در این دانشگاه، هنگام ورود دانشجویان دختر با سد راه اکثر ایشان، با توهین و تحقیر ... برخورد می کنند ..."

در دانشگاه علم و صنعت تهران نیز مشابه این رفتار دیده شده که خشم و اعتراض دانشجویان را برانگیخته است. در ادامه این اعمال فشارها، وزیر علوم دولت کودتا، در جریان نشست هیات مرکزی نظارت بر تشکل های دانشجویی، اعلام داشت که، شوراهای فرهنگی دانشگاه ها باید از فعالیت های فرهنگی- اجتماعی تشکل های دانشجویی که در راستای مصالح نظام است حمایت کنند. دانشجو نیوز، ۱۴ تیرماه، در این مورد نوشت: "وزیر علوم (گفت) تشکل های دانشجویی که قانون اساسی، اصل ولایت فقیه و مقررات نظام جمهوری اسلامی را در عمل قبول دارند، می توانند فعالیت کنند ... ما اجازه ترویج سکولاریسم و فعالیت علیه اسلام و نظام جمهوری اسلامی را در دانشگاه ها نمی توانیم بدهیم که البته این ممنوعیت خواسته و مطالبه به حق مردم غیور و شریف و قریب به اتفاق دانشگاهیان است."

دولت کودتا وارگان های امنیتی- نظامی مدافع آن، با برنامه ای حساب شده سرگرم مبارزه و مقابله با جنبش دانشجویی کشور هستند. سخنان وزیر علوم و تاکید او بر مقابله با "فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی" به معنای

ادامه رویدادهای ایران ...

تنش در بازار تهران

بازاریان تهران در یک اقدام اعتراض آمیز، که بی ارتباط با کشمکش های درون حکومتی و نزاع حاد میان جناح های طیف ارتجاع حاکم نیست، روز سه شنبه ۱۵ و چهارشنبه ۱۶ تیرماه دست به اعتصاب زدند. صنف پارچه فروشان و در کنار آنها صنف طلا فروشان با بستن حجره ها و فروشگاه های خود خواستار توقف قانون افزایش مالیات های کلان شدند. این اعتصاب بلافاصله دولت نامشروع کودتا را وادار به تمکین به خواست بازاریان کرد. معاون وزیر بازرگانی در مصاحبه ای اعلام داشت: "افزایش ۷۰ درصدی مالیات اصناف منتفی شده و تنها یک اشتباه در انتقال مطلب و برداشت از قانون بوده است، در حالی که آنچه در بودجه به عنوان افزایش مالیات واحدهای صنفی [بخوان تجار عمده بازار] در سال ۸۹ بیان شده و مبنای ارزیابی قرار گرفته، نسبت به سال قبل کمتر از ۳۰ درصد افزایش داشته است."

در روز دوم اعتراض و اعتصاب (چهارشنبه ۱۶ تیرماه) نیروهای لباس شخصی با همراهی واحدهای نیروی انتظامی وارد بازار شده و تلاش کردند تا حجره ها را باز کنند. این حرکت منجر به تنش و درگیری در نقاطی از بازار گردید. جرس، ۱۶ تیرماه، گزارش داد: "در تداوم اعتراض بازاریان تهران، اعتصابیون اعلام کرده اند که تا "از بین رفتن قانون افزایش مالیات های کلان" دست از اعتصاب نخواهند کشید. همزمان یکی از رهبران اعتصاب بازار، توسط ماموران امنیتی و لباس شخصی ها بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد ... نماینده صنف بازار پارچه فروشان، در هنگام فراخوان برای تجمع روز پنجشنبه بازاریان، بلافاصله دستگیر شد. ... "تنش در بازار تهران، همان گونه که در ابتدا مورد اشاره قرار گرفت، اقدامی بی ارتباط با تحولات درون حکومتی و کشمکش های آن نیست.

بازاریان طی سه دهه اخیر، با وجود کسب سودهای نجومی، کمترین مالیات را پرداخته اند. مطابق یک آمار منتشر شده، ۲/۶ تا ۲/۷ میلیون واحد صنفی در کشور وجود دارد که سرانه مالیات هر واحد صنفی به طور میانگین ۷۰۰ هزار تومان برآورد می گردد. این مقدار برای عمده فروشان و تجار عمده، برابر فقط درآمد یک روز است. برخورد دولت نامشروع کودتا و بازار نشانه تمایل و اراده دولت احمدی نژاد برای مهار بازاریان و کسب مالیات از آنها نیست. این دولت خواستار حمایت بی چون و چرای بازار است که با توجه به کشمکش های کنونی در طیف ارتجاع حاکم و نیز فشار اقتصادی ناشی از تحریم ها به بازار، هدفی غیر قابل وصول تلقی می گردد.

دولت ضد ملی احمدی نژاد به دلیل ماهیت واپس مانده خود و خدمت به منافع کلان سرمایه داران، در پی اخذ مالیات از تجار عمده و نزدیک و وابسته به حکومت نیست و بیشتر فشار خود را بر روی کسبه خرده پا، بازاریان میانه حال و صنعتگران و فعالان عرصه تولید وارد می آورد. با اعتراضات اخیر بازاریان نشان دادند که با نفوذ عمیق خود حاضر به پیروی بی چون و چرا از دولت کودتا نیستند. این قدرت نمایی ادامه خواهد داشت!

این یورش برنامه ریزی شده و تخریب خانه پنجاه خانواده بی گناه، پس از آن رخ داد که روزنامه کیهان، ارگان مطبوعاتی کودتاچیان، که تحت مسئولیت ولی فقیه اداره می گردد، طی مقالاتی تحریک آمیز، حمله به بهاییان، دراویش گنابادی و پیروان دیگر ادیان و مذاهب را تشویق می کرد.

آزار اقلیت های مذهبی اعم از زرتشتی، ارمنی، آشوری، کلیمی، بهایی و اهل تسنن و دیگر گروه های مذهبی، پدیده تازه ای نیست. این آزار و ناپردباری مذهبی غیر قابل پذیرش که با روح و سنت های ملی و فرهنگی میهن ما بیگانه است، طی سه دهه اخیر به صورت مستمر جریان داشته و باعث مهاجرت تعداد قابل توجهی از پیروان مذاهب مختلف از کشور گردیده و جامعه ایران را از بخشی از توان و استعداد خود محروم و تهی ساخته است.

نیروهای مترقی میهن ما ضمن تاکید بر حقوق مسلم و غیر قابل انکار اقلیت های مذهبی به عنوان بخش جدایی ناپذیر جامعه، فرهنگ و تمدن ایرانی، تخریب منازل هم میهنان بهایی و اعمال فشار بر آنها را به شدت محکوم می کنند. بهاییان، دراویش گنابادی و هر اقلیت مذهبی دیگر، می باید از حقوق برابر و یکسان برخوردار بوده و زندگی، مذهب، اعتقاد، امنیت و آینده آنان همانند دیگر افراد و شهروندان کشور تامین و تضمین گردد.

قانون هدفمندسازی یارانه ها، باری بردوش طبقات محروم

اکثریت مردم کشور خصوصا طبقات محروم و زحمتکش جامعه با نگرانی شاهد، فعالیت های پرتب و تاب دولت ضد مردمی احمدی نژاد برای اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها هستند. یکی از سازمان هایی که از هم اکنون نقش پررنگی در اجرای قانون مذکور برعهده دارد، سازمان تعزیرات استان تهران می باشد. خبرگزاری ایسنا ۲۶ خرداد ماه گزارشی می دهد، سازمان تعزیرات در آماده باش کامل برای اجرای هدفمندسازی یارانه ها بسر می برد. ایسنا نوشت: "آماده باش و هشدار سازمان تعزیرات حکومتی برای اجرای هدفمند کردن یارانه ها، افتتاح حساب های بانکی دریافت نقدی یارانه ها در شش استان، رییس سازمان تعزیرات استان تهران از نهایی شدن اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها در سطح کشور و تشکیل کمیته تخصصی ویژه نظارت در شعب این سازمان خبر داد و خاطر نشان کرد، با محسوس شدن گرانفروشان، کم فروشان و متخلفان به شدت برخورد می شود ... برای جلوگیری از فعالیت افراد سودجو و فرصت طلب در هدفمندی یارانه ها با تشکیل کمیته تخصصی تدوین جایگاه سازمان تعزیرات در این طرح ملی از سال گذشته آغاز شده است."

در حالیکه رییس سازمان تعزیرات که ارگانی فاقد اعتبار و در خدمت تجار عمده و بازار شناخته می شود، برای کسبه جزء و خرده پا خط و نشان کشیده و زبان به تهدید می گشاید، تجار عمده و دلال های با نفوذ تحت حمایت دولت احمدی نژاد در برنامه ذخیره سازی ۱۳ قلم کالای اساسی برای اجرای هدفمندسازی یارانه ها نقش درجه اول برعهده دارند. میلیاردها تومان از درآمد دولت از طریق سیستم بانکی در اختیار تجار عمده قرار گرفته تا آنها کالاهای اساسی را وارد و در انبارهای مختلف ذخیره کنند. خبرگزاری مهر ۲۷ خرداد ماه یادآور گردید: "ذخیره سازی ۱۳ قلم کالای اساسی مورد نیاز مردم برای اجرای مقدمات قانون هدفمند کردن یارانه ها در نیمه دوم سال جاری با همکاری اصناف و بخش خصوصی صورت گرفته و نگرانی در این زمینه وجود ندارد."

وزیر بازرگانی دولت کودتا با صراحت می گوید: "اصناف (بخوان انجمن اسلامی بازار و تجار عمده) پشتیبان وزارت بازرگانی در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها هستند. برای اجرای قانون همکاری اصناف و بازاریان اصل است. ما بازرسی اصناف را به خود آنها واگذار کرده ایم و این نماد اعتماد دولت به مردم (بخوان تجار و بازاریان) است."

در حقیقت با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها علاوه بر آنکه قیمت ها افزایش سرسام آور می یابد و قدرت خرید زحمتکشان و قشرهای میانه حال به شدت پایین آمده و دستمزدها تنزل می یابد، کسبه خرده پا و کوچک نیز توسط سازمان تعزیرات تحت فشار قرار می گیرند و در همان حال تجار عمده و کلان سرمایه داران دست در دست دولت از مزایا و مواهب قطع و حذف یارانه ها سودهای بزرگ کسب می کنند.

دولت برای ذخیره سازی کالاهای اساسی که عمدتاً وارداتی نیز هست، میلیاردها تومان هزینه صرف کرده و سیستم بانکی را در دست به خدمت سرمایه بزرگ تجاری واداشته است، اما همین دولت یعنی دولت ضد ملی کودتا اعتبار مالی لازم را برای خرید گندم از کشاوران ایرانی را در اختیار آنها قرار نمی دهد. روزنامه دنیای اقتصاد ۲۷ خرداد ماه در گزارشی شامل برانگیز چنین نوشت: "کمبود اعتبار برای خرید نقدی گندم، معاون اداری مالی شرکت بازرگانی دولتی ایران با پیش بینی اینکه در ماه های تیر و مرداد جاری، ۷/۵ میلیون تن گندم از کشاورزان خریداری می شود گفت، نگران تامین مالی خرید نقدی گندم هستیم. در حال حاضر ۷۰۰ هزار تن گندم خریداری شده از کشاورزان، به دلیل عدم تامین منابع مالی جزو خرید قطعی منظور نشده است ..."

چنین است عملکرد دولت ضد ملی کودتا که با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها باری سنگین را بردوش طبقات محروم تحمیل کرده و عامل رشد پدیده فقر در میهن ماست!

ادامه پیکار جنبش ضد استبدادی ...

در جهت اصلاح امور است و ما می خواهیم عیوب دولت را برطرف کنیم. بنابراین در این تضاد و گفت و گوها محاسنی هم وجود دارد." به گزارش خبرنگاران، ۱۹ تیر، مرتضی نبوی با اشاره به اینکه انشعاب در جریان اصولگرا را داریم، اظهار داشت: "من می خواهم از دل این قضایا یک نگرانی ایدئولوژیک را هم مطرح کنم. آن نگرانی این است که احساس می کنم در بین این جریان اصولگرایی یک جریان اصولگرایی منهای روحانیت شکل می گیرد، جریانی که خود را اصولگرا می داند، به ولایت امام زمان اعتقاد دارد لکن به نظر می رسد که به نقش روحانیت در تاریخ تشیع و در جریان انقلاب خیلی اعتنایی ندارد." مرتضی نبوی طی این سخنان به تاو و مستقیم و غیر مستقیم به احمدی نژاد و همفکرانش حمله می کند و آنها را متهم می کند که به ولایت فقیه اعتقاد ندارند. نبوی در این مصاحبه، که به نقل از هفته نامه پنجره منتشر شده است، با اشاره به دورخیز احمدی نژاد و همفکرانش برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری، معتقد است که این جریان قصد دارد دیگر رقبای اصولگرا را از میدان به در کند.

اسدالله بادامچیان در پشتیبانی از سخنان توکلی، که گفته بود دولت در برابر قانون گردنکشی می کند، گفت: "این یک حرف غلط نیست، چرا که دولت در مواردی وظایفش را انجام نداده است (خبرآنلاین، ۱۵ تیر).

احمد خاتمی، یکی از امامان جمعه، در باره این اظهار نظر احمدی نژاد که، استفاده از کراوات را بدون اشکال قلمداد کرده، گفت: "من به ایشان عرض می کنم، بسیاری از بزرگان و مراجع تقلید هستند که تاکید بر اجتناب از کراوات زدن کرده اند." و در ادامه در جایی دیگر می گوید: "بنده از جناب آقای احمدی نژاد نیز که مدیریت کلان کشور را بر عهده دارند تقاضا می کنم از ورود به مسایل چالش زا در حوزه دینی خودداری کند، زیرا ورود به این مسایل به تصحیف دولت می انجامد. بنده به عنوان یک دلسوز عرض می کنم که ورود به این مسایل برای رئیس جمهور محترم که ایمان به سخت کوشی و دلسوزی ایشان دارم به مصلحت نیست" (ایسنا، ۲۲ تیر). مکارم شیرازی، از روحانیون مرتجع طرفدار سرکوب، در سخنانی که به طور غیر مستقیم احمدی نژاد را خطاب قرار داده، گفت: "مسئولان محترم احترام خود را حفظ فرمایند و اجازه دهند هر نهادی به وظیفه خود عمل کند. قانون گذاران عزیز قوانین شفاف و حساب شده بر وفق ارزش های اسلامی تنظیم کنند و به محترم قضایه به مقابله با جرایم برخیزد و مجریان محترم به وظیفه اصلی خود که اجرای قوانین است بپردازند و از قلمرو خود خارج نشوند" (ایسنا، ۹ تیر).

محمد نبی حبیبی، دبیر کل حزب موفقه، با اشاره به سخنان احمدی نژاد که گفته بود: نظام یک حزب دارد، گفت: "در قانون اساسی به تعدد و تکثر احزاب به دیده یک فرصت نگریسته شده آن را نیز به رسمیت می شناسد. نفی ارزش های انقلاب در وجود احزاب و جناح بندی ها نیست، در عدم التزام به ولایت، اسلام، انقلاب و نظام است" (ایسنا، ۲۲ تیر).

حبیبی در حالی این سخنان را بیان می کند که ما اخیرا شاهد اقداماتی بر ضد حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بودیم، اقداماتی که فعالیت این حزب را غیر قانونی اعلام کرد. به نظر می رسد حبیبی متوجه شده است که ممکن است این روند در آینده متوجه آنها نیز بشود. عباس سلیمی نمین همچون مرتضی نبوی خطر را در انتخابات آینده و دورخیزهای احمدی نژاد و همفکرانش دانسته و می گوید: "در فضای سیاسی فعلی کشور علائمی از رقابت های انتخاباتی را به خوبی مشاهده می کنیم. در حالی که هنوز سه سال به انتخابات دوره آتی ریاست جمهوری باقی مانده است، این نشانه خوبی نیست و برای مصالح کشور زیانبار است. این را باید به شدت متفی تلقی کرد و جلوی آن را گرفت و به کسانی که فعالیت های زود هنگام انتخاباتی را آغاز کرده اند، پیام داد که این امر در انتخاب مردم تاثیر منفی خواهد گذاشت" (ایسنا، ۲۱ تیر).

مروری دوباره بر همین اظهارات ابراز شده در بالا، به خوبی نشان می دهد که ما از هم اکنون باید شاهد تشدید اختلافات در بین سرکوب گران باشیم. آن چیزی که امروز از آن با عنوان "وحدت

اصولگرایان" نام برده می شود، در واقع جمع آوری تمامی نیروهایی است که برای مقابله با احمدی نژاد و همفکرانش توافق دارند. بیش از یک سال پیش، و در جریان تقلبات انتخاباتی، کسانی که امروز احمدی نژاد را متهم به عدم تبعیت از قانون، عدم تمهد به ولایت فقیه، بی اعتقادی به روحانیت، دزدی و فساد و حیف و میل اموال عمومی و جز این ها می کنند، به هنگام اعتراضات به حق مردم برای اعاده حقوقشان، همگام با همین جریانی که الان مضر به حالشان گردیده، بر سرکوب مردم صحنه گذاشتند. اتهامات مطرح شده از سوی جناح مخالف احمدی نژاد در حالی بیان می شود که علی خامنه ای، در نماز جمعه معروف خود در بعد از انتخابات، به صراحت از احمدی نژاد حمایت کرد و گفت که، نظرات رئیس جمهور به نظرات وی بیشتر نزدیک است. این پشتیبانی در طول یک سال گذشته همچنان ادامه داشته و دارد. سران این مخالفان به خوبی می دانند که احمدی نژاد در واقع مهره ای است که از سوی خود ولی فقیه به این سمت گمارده شده و مطیع اوامر وی باید باشد. این نکته ای نیست که از دید این مخالفان پنهان بوده باشد. بنابراین مخالفت های شکل گرفته در واقع نوعی اعلام خطر به خامنه ای است که هر روز و به کرات در اظهارات مقامات حکومتی لزوم تبعیت هرچه بیشتر از وی تاکید می گردد، اما در عمل خود آنها بیشترین مشکل را با قبول سیاست وی در رابطه با دولت کودتا دارند. درهم تنیدگی منافع چپاول گرانه سرکوب گران با تحولات سیاسی اخیر در ایران، و این مسئله که روند حذف از صحنه سیاسی محدود به اصلاح طلبان نیست و به زودی شامل حال بخشی از "اصولگرایان" نیز خواهد شد، جنب و جوش جدیدی را در میان این نیروها به وجود آورده است. در باره اینکه در نشست قم چه مباحثی مطرح شده و نتایج آن چه بوده، اکنون نمی توان با قاطعیت اظهار نظر کرد، اما تشدید حملات به احمدی نژاد، دولت و درخواست محاکمه برای مرتضوی - در رابطه با جنایت کهریزک - نمی تواند بی ارتباط با برخی از توافقات پشت پرده نباشد.

مسئله دیگری که لازم است به آن اشاره کرد، در رابطه با هاشمی رفسنجانی است. هرچند هنوز با قاطعیت نمی توان در این باره اظهار نظر کرد، اما اگر اظهارات محسن رضایی، موسی قربانی و سلیمی نمین را بخواهیم ملاک قرار دهیم، به نظر می رسد روند حذف تدریجی هاشمی رفسنجانی نیز مورد توافق قرار گرفته است. موسی قربانی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، در مصاحبه با ایسنا، ۹ تیر، در این باره اظهار داشت: "به هر حال یکسری آدم ها در کشور هستند که آدم های خوبی هستند، خدمت هم کرده اند، اما الان خوب است که بازنشسته شوند، چرا که گاهی یک طرف اختلافات به آدم هایی برمی گردد که اگر در یک مقطع و اوج خدمتشان خود را بازنشسته می کردند، هم ابرومندانه کنار می رفتند و هم بسیاری از اختلافات به وجود نمی آمد. بعضی از این کسانی که طرف اختلاف هستند، اگر ایثار کنند و خود را از عرصه سیاسی بازنشسته کنند، شاید خدمات ارزنده ای برای نظام باشد که زمینه اختلاف را از بین ببرد."

محسن رضایی، در مصاحبه با روزنامه خبر، در اشاره به ناآرامی های بعد از انتخابات و اینکه به نظر وی چه کسانی در این حوادث مقصر بودند، به هاشمی رفسنجانی اشاره ای می کند و می گوید: "نخنگان موثری که می توانستند بیابند و این آتش را خاموش کنند، خودشان را کنار کشیدند." و در ادامه می گوید: "به نظر من افرادی مثل آقای هاشمی باید نقش فعال تری را در کنار رهبری ایفا می کرد" (تابناک، ۲۲ تیر).

سلیمی نمین، در اشاره به تجمع دانشجویان مقابل مجلس، گفت: "واکنش دانشجویان در این خصوص بسیار به موقع، ضروری و خوب بود اما متأسفانه باز هم یکسری افراد آمدند و شعارهایی را دادند که بر اساس مصالح حزبی بود، شعار علیه ریاست مجلس. اگر چه انتظار ما این است که رئیس مجلس قاطع تر برخورد می کرد ولی این که آن مساله مورد اعتراض را رها کنیم و علیه ریاست مجلس شعار دهیم خطاست. در واقع باید گفت حساسیت دانشجویان بسیار به جا بود اما باید جلوی سوء استفاده هم گرفته شود" (ایسنا، ۲۱ تیر). در واقع امر، سلیمی نمین اقدام برضد دانشگاه آزاد را که با رفسنجانی ارتباط پیدا می کند، تایید می کند اما با حمایت از لاریجانی، مخالفت خویش با احمدی نژاد را هم پنهان نمی کند. مسئله اساسی دیگری که باید به آن توجه داشت این است که بر خلاف ارزیابی و برداشت برخی از سران ارتجاع پیکار جنبش ضد استبدادی میهن ما به رغم فراز و نشیب های آن همچنان ادامه دارد. زمینه های ادامه مبارزه جنبش مردمی را باید در واقعیت های عینی جامعه و میزان بالای نارضایتی ها در تمامی سطوح و ناکارآمدی رژیم برای حل معضلات اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مردم دانست. ادامه اختلافات در حاکمیت رژیم ولایت فقیه نشانگر این واقعیت است که سیاست های رهبری رژیم نه تنها ثمره و عملکرد مناسب را نداشته است بلکه زمینه ساز شکاف های جدید در حاکمیتی است که بیش از پیش بر حاکمیت انحصاری نیروهای نظامی بر حیات سیاسی-اقتصادی میهن ما استوار است.

ضرورت راهکارهای عملی و واقع بینانه با تقویت همبستگی جنبش های اجتماعی می تواند روند تحولات را هر چه بیشتر به سود مطالبات مردم و جنبش اعتراضی تاریخی ملت سوق دهد. حزب توده ایران در این راستا مبارزه می کند.

نشست "گروه ۲۰"، و بحران نظام سرمایه داری

بر خلاف آنچه دستگاه های تبلیغاتی اروپا و آمریکا ترسیم کرده بودند، نشست های گروه هشت کشور سرمایه داری بزرگ جهان موسوم به "جی ۸" و سپس "گروه ۲۰" در تورنتو کانادا، نتایج ملموس و راه حل قابل قبول برای برون رفت از بحران اقتصادی ارایه نکردند.

در پایان اجلاس "گروه ۲۰"، این کشورها بر سرادامه تلاش ها برای حل بحران توافق کردند. مطابق قراردادهای توافق شده در این نشست، بسته های میلیاردی حمایت از بانک ها و موسسات عظیم مالی به موازات برنامه های صرفه جویی برای مردم، به اجرا گذاشته خواهد شد. توافق شده است که این ۲۰ کشور تا پایان سال ۲۰۱۳ کسری بودجه خود را به میزان ۵۰ درصد کاهش دهند و حداکثر از سال ۲۰۱۶ بازپرداخت بدهی های خود را آغاز کرده باشند.

یکی از مهم ترین موارد توافق میان کشورهای موسوم به گروه ۲۰، تقویت بنیه مالی بانک ها در مقابل بحران کنونی است، گرچه در این موضوع مهم میان آمریکا و اتحادیه اروپا (به ویژه آلمان) اختلاف سلیقه وجود داشت، اما فصل مشترک معینی مورد تاکید

قرار گرفت. دولت های "گروه ۲۰" با توافق بر سر نظارت بر این امر که همه بانک ها تا پایان سال ۲۰۱۲ سطح مشخص و تعیین شده ای از سرمایه و پس انداز را در صندوق های خود داشته باشند، عملاً بسته ای از قوانین بین المللی موسوم به "بازل ۳" را قبول کردند. مقررات "بازل ۳" که با مخالفت بانک ها رو به رو است، آن ها را موظف می کند که سطح مشخصی از سرمایه نقدی در صندوق های خود داشته باشند. علت این تصمیم همانا تقویت بنیه مالی و جلوگیری از بی ثبات شدن ناگهانی بانک ها در شرایط سقوط بخش هایی از اقتصاد است، شرایطی مانند مورد وام های مسکن "ساب پرایم" در سه سال پیش که عملاً آغاز گر بحران مالی جهانی کنونی شد. البته زمان اجرایی شدن این تصمیم منوط به شرایط کشورهای گردید. مدیران بانک های بزرگ جهان تعیین سال ۲۰۱۲ به عنوان ضرب الاجل برای اجرای "بازل ۳" را عملی نمی دانند.

نشست "گروه ۲۰" نه تنها نتوانست راه حل قابل قبولی برای برون رفت از اوضاع وخیم اقتصادی ارایه کند، بلکه نتوانست شکاف ژرف میان سیاست های اتحادیه اروپا با آمریکا و گروه "جی ۸" با کشورهای چین و هند را نیز ترمیم کند.

این درحالی است که اتحادیه اروپا زیر فشار محور آلمان - فرانسه، محدودیت حق شرکت در تصمیم گیری ها را برای کشورهای عضو این اتحادیه که مصوبات را دقیق اجرا نکنند، در نظر گرفته است: براین اساس، هر کشوری که مرز بدهی های دولتی تعیین شده به میزان ۳ درصد را نقض کند، باید دست کم برای مدتی حق شرکت در تصمیم گیری های اتحادیه اروپا را نداشته باشد. به علاوه، همه کشورها موظف هستند بسته های صرفه جویی توافق شده را با تمام توان به مزدبگیران و مردم تحمیل کنند. هم اکنون بر اثر این برنامه های ضد مردمی، زحمتکشان یونان، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، فرانسه، پرتغال، دانمارک، مجارستان و ایرلند ... بار اصلی بحران را

بردوش می کشند، بدون اینکه در پیدایش آن نقشی داشته باشند. به طور مثال، دولت ایتالیا (یکی از اعضای گروه "جی ۸")، اقدام های صرفه جویانه ای را به ارزش ۲۴ میلیارد یورو برای سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ تصویب کرده است: کاهش حقوق مزدبگیران - شامل کارگران و کارمندان - کاهش مستمری بازنشستگان، صرفه جویی در هزینه های درمان، بهداشت و خدمات اجتماعی و جز این ها، از موارد صرفه جویی دولت ایتالیا به شمار می آیند. فرانسه نیز یک برنامه مفصل ۴۵ میلیارد یورو بی صرفه جویی را در نظر گرفته است: افزایش سن بازنشستگی به ۶۲ سال، افزایش ساعت کار،



کاهش سطح دستمزد ها و تنزل خدمات اجتماعی از مفاد این برنامه هستند. در ایرلند قرار است بر پایه صرفه جویی دولت، حقوق کارگران و کارمندان ۵ درصد کاهش یافته و مزایای حق اولاد نیز کاهش بیابد.

وضعیت در اسپانیا، پرتغال، مجارستان و فنلاند نیز به شدت وخیم است، و زحمتکشان این کشورها با یورش بی سابقه سرمایه جهانی به دست آوردهای خود روبه رو گردیده اند.

علاوه بر این ها، مردم کشورهای آسیایی، آفریقای و آمریکای لاتین با اوضاعی فوق العاده دردناک مواجه اند. سازمان جهانی خوار بار و کشاورزی (فائو) در تازه ترین گزارش خود هشدار داد که، بر اثر بحران سرمایه داری و افزایش چشمگیر قیمت مواد غذایی طی یک سال اخیر، امنیت غذایی در بسیاری از کشورهای در حال رشد و فقیر از میان رفته و یا در حال نابود شدن است. مطابق این گزارش، در حالی که بانک ها و انحصارات فراملی همچنان سودهای هنگفت کسب کرده و دولت های کشورهای سرمایه داری پیشرفته میلیارد ها دلار به صندوق بانک ها تزریق می کنند، قیمت مواد غذایی در کشورهای در حال رشد تا ۵۰ درصد افزایش یافته و تامین غذا برای بسیاری از مردم دشوارتر شده است. فائو اعلام کرده است که، با ادامه این روند حداقل ۱۰۰ میلیون نفر به کام فقر کشانده خواهند شد!

بحران کنونی، که بحران ذاتی نظام ضد انسانی سرمایه داری است، با تمام سیمای دهشتناک خود، جهان را به سوی فقر، جنگ، تبعیض و بی عدالتی می کشاند. نشست های اخیر "گروه ۸" و "گروه ۲۰" نشان داد که نسخه های اتحادیه اروپا و آمریکا به سود بشریت، صلح، برابری، ترقی اجتماعی و سعادت انسان ها نبوده و نیست!

مبارزه برای سوسیالیسم در فرانسه!

اکنون سال‌هاست که «ث.ژت» تلاش دارد تا همه کنفدراسیون‌های سندیکایی را دور هم جمع کند تا در قالب یک نهاد هماهنگ کننده، از منافع زحمتکشان و جنبش کارگری دفاع کنند. در این میان، «اصلاحات» اخیر دولت فرانسه در قانون کار، تأمین اجتماعی، بازنشستگی و خدمات عمومی انگیزه‌های قوی شد تا محافل سندیکایی رقیب را به یکدیگر نزدیک کند. کمیته هماهنگی مشترکی که این سازمان‌های کارگری تشکیل داده‌اند، امروز نیروی محرکه اعتصاب‌ها و تظاهراتی است که در ۱۲ ماه گذشته سرتاسر فرانسه را در بر گرفته بود. بازتاب این روحیه تازه را که در امر همکاری میان جنبش کارگری پیدا شده است، می‌توان در رخدادها و تحولات سیاسی چپ در فرانسه به روشنی دید.

یکی از وظایف اصلی تعیین شده در دستور کار کنگره اخیر حزب کمونیست فرانسه، اعلام حمایت رسمی از استراتژی «جبهه چپ» بود که حزب در دو سال گذشته آن را دنبال کرده است. انتخاب دبیرکل جدیدی که مسئولیت رهبری را پس از نه سال از رفیق ماری ژرژ بوفه تحویل بگیرد، از دیگر وظایف کنگره بود. رفیق ماری ژرژ بوفه در سال ۲۰۰۱ به دبیرکلی انتخاب شد و فقط چند ماه پس از آن بود که ناکامی انتخاباتی سال ۲۰۰۲ پیش آمد که در آن حزب سوسیالیست و حزب کمونیست شکست سختی خوردند. از آن زمان تا کنون، و در شرایط ادامه شل‌تاق لگام‌گسیخته راست‌گراها، حزب پیوسته در صدد جبران این شکست بوده است. و در این راه، رفیق ماری ژرژ بوفه نقش رهبری کننده مؤثری داشته است. هم او بود که در برابر دنباله‌روی محض از سوسیالیست‌ها ایستادگی کرد، و برنامه وحدت مردمی بر ضد جناح راست را مطرح ساخت.

از زمان پیروزی «اتحاد برای جنبش مردمی» در سال ۲۰۰۲، که در آن ژاک شیراک با فاصله زیادی از رقیب در انتخابات پیروز شد، پیکارهای توده‌ای نقشی اساسی در حیات سیاسی فرانسه بازی کرده‌اند. تلاش‌های دولت جدید در تحمیل قوانینی برای اشتغال «انعطاف‌پذیر» (یا بی‌حساب و کتاب) تا حدودی موفق بود، اما از سوی دیگر انگیزه تازه‌ای شد برای تشدید مبارزات حزب کمونیست و جنبش کارگری در کل. همچنین، حزب کمونیست فرانسه، تحت رهبری رفیق ماری ژرژ بوفه، تنها نیروی چپی بود که برای رأی منفی دادن به قانون اساسی اروپا کارزار گسترده‌ای را سازمان داد و نیروهایی از سبزها، سوسیالیست‌ها، تروتسکیست‌ها و «مستقل»‌ها را به این کارزار جذب کرد. متأسفانه تلاش‌هایی که برای بهره‌گیری از این ائتلاف در انتخابات سال ۲۰۰۷ صورت گرفت، به علت اختلاف بر سر اینکه چه کسی نامزد این ائتلاف باشد، بی‌ثمر ماند، و نیکلا سارکوزی برنده آن انتخابات شد. اما تلاش‌ها ادامه یافت و خوشبختانه در انتخابات سال گذشته اتحادیه اروپا، وحدت عمل بیشتری در قالب «جبهه چپ» حاصل شد. کارزار این ائتلاف میان حزب کمونیست فرانسه، سوسیالیست‌های سابق در «حزب چپ»، و تروتسکیست‌های جدا شده از «اتحاد چپ» به قدری موفقیت‌آمیز بود که سال بعد هم در انتخابات منطقه‌ای با موفقیتی بیش از گذشته تکرار شد.

با توجه به موفقیت‌های کسب شده، نمایندگان شرکت کننده در کنگره اخیر حزب کمونیست فرانسه با اشتیاق سیاست جبهه گسترده چپ را تأیید و تصویب کردند، جبهه‌ای که نه فقط نیروهای پیش‌گفته، بلکه همه آنانی را در بر می‌گیرد که با سیاست‌های نولیبرالی دولت فرانسه و اتحادیه اروپا مخالف‌اند. تأکید اصلی در بحث‌ها بر پیکار و مبارزه بود و نه بر چانه زنی انتخاباتی، و با این هدف که، در نهایت یک جبهه مردمی گسترده شکل بگیرد که بتواند حائز اکثریت سیاسی بشود و از آن راه دگرگونی‌های اساسی در جامعه ایجاد کند. رفیق ماری ژرژ بوفه اینک مسئولیت رهبری حزب را به دبیرکل تازه حزب، پی‌یر لورن واگذار می‌کند که سابق بر این سردبیر مجله هفتگی حزب کمونیست فرانسه، و نیز دستیار و هماهنگ کننده کمپین‌های رفیق بوفه بود. به نظر می‌رسد که پرچم مبارزه به‌درستی به دست‌های مطمئنی سپرده شده باشد.

سی و پنجمین کنگره حزب کمونیست فرانسه در روزهای پایانی خردادماه (۱۸ تا ۲۰ ژوئن)، صحنه ارائه تحلیل‌های عمیق، و بحث به منظور ایجاد یک جبهه متحد چپ کارگری قدرتمند در مقابله با سیاست‌های نیروهای مدافع نولیبرالیسم اقتصادی حاکم، بود. محور اصلی بحث‌های کنگره، تشریح بحران همه جانبه اقتصادی-مالی در فرانسه و بحران سیاسی عمیقی است که نیروهای راست حاکم، همدستان محافل مالی قدرتمند کشور، در آن دست و پا می‌زنند. حزب کمونیست فرانسه، و جبهه متحد کارگری که با همکاری آن پایه‌گذاری شده است، در راستای جلوگیری از تخریب بیشتر حقوق و دستاوردهای اجتماعی و دموکراتیک زحمتکشان فرانسه مبارزه می‌کنند. مقدمه قطعنامه‌های اصلی مصوب کنگره، در بیان جهت اصلی بحث‌های کنگره اظهار می‌دارد: «مردم اروپا و جهان از تبعات بحران ایجاد شده توسط سرمایه داری «جهانی شده» که همه چیز را، نیروی کار انسانی، محیط‌زیست و رفاه عمومی را در مقابل انباشت و فعالیت‌های سوداگرانه مالی قربانی کرده است، رنج می‌برند. این بحران محصول انتخاب سیاسی مشخصی است که با تصمیم سیاسی پس از تصمیم سیاسی، همه قدرت و اختیارات را به بازارهای مالی، سهامداران و سیستم نگاه‌های چندملیتی مالی واگذارند. دولت‌های مسئول این انتخاب‌های سیاسی، اکنون با اعمال سیاست‌های ریاضت‌کشی اقتصادی که بیکاری، عدم امنیت و فقر میلیون‌ها نفر را به دنبال دارند، بار پیامد‌های بحران را به دوش کارگران گذاشته‌اند. در تضاد با پیشرفت عظیم علم، تکنولوژی و بهره‌وری کار، که می‌بایست به ایجاد یک تمدن پیشرفته بشری می‌انجامید، سرمایه داری به طور فزاینده‌ای عدم قابلیت خود را در رویارویی چالش فراهم‌آوری شرایط توسعه انسانی، به نمایش گذاشته است.»

حضور رهبران و فعالان جنبش سندیکایی فرانسه در سالن برگزاری کنگره سی و پنجم حزب کمونیست فرانسه، نمایشگر موفقیت کوشش رفقای فرانسوی در جلب همکاری و هماهنگی جنبش کارگری و سندیکایی بود. حزب توده ایران، موفقیت کنگره سی و پنجم حزب کمونیست فرانسه را به رهبری حزب برادر تبریک گفت و از ابتکارهای مشخص آن در بسیج همبستگی زحمتکشان فرانسه با جنبش مردمی در کشورمان قدردانی کرد. در ادامه، برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم»، ترجمه گزارشی از این کنگره به قلم «جیمی بانکوویچ» در رابطه با دستاوردهای آن، که اخیراً در روزنامه چپ «مورنینگ استار»، چاپ لندن، منتشر شده است، در زیر می‌آید.

مدت‌هاست که جنبش کارگری فرانسه دچار ضعف و شکاف بوده است. چند کنفدراسیون سندیکایی انگشت‌شمار کشور برای عضوگیری با هم در رقابت بوده‌اند که گاهی هم کارشان به کشمکش و رو در رویی کشیده شده است. اما در کنگره اخیر (سی و پنجم) حزب کمونیست فرانسه، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای دیده شد حاکی از آن که، آن اتحادیه که فدراسیون سندیکایی پرسابقه «ث.ژت» مدت‌های مدیدی در پی آن بوده است، شاید چندان هم دور از دسترس نباشد. در میان شرکت‌کنندگان کنگره این حزب، که در بخواهه اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی از سوی دولت سارکوزی گرد هم آمده بودند، چهره‌های تازه و ناآشنایی هم به چشم می‌خورد. در میان هیأت‌های دعوت شده از سوی حزب کمونیست، شمار زیادی از نمایندگان گروه‌های سیاسی دیگر نیز حاضر بودند. مهمانان کنگره هم از «جبهه چپ» بودند، که حزب کمونیست فرانسه خود از اعضای معتبر و اصلی آن است، و هم از سوسیالیست‌ها، سبزها و احزاب تروتسکیست. اما آنچه از همه بیشتر چشمگیر و واقعاً بی‌سابقه بود، حضور نمایندگان تقریباً تمام فدراسیون‌های سندیکایی کشور در این نشست با اهمیت بود.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و «ای-میل»
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 847
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

19 July 2010

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse